



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



تحليل يك حقوق دان بين المللی در مورد ناتوانی شورای امنیت سازمان ملل برای اقدام
موثر در قبال تجاوز به ایران و پیامدهای آن بر موازين بين المللی کاربرد زور و دفاع مشروع

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

پیرو اقدام جنایت بار آمریکا و اسرائیل به ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ که دومین تجاوز به کشورمان در طول یکسال بود، واکنش های مختلفی در سطح جهانی شکل گرفت. توده مردم در کشورهای مختلف پیشگام واکنش ها بودند که به شکل های گوناگون جنایت تجاوز به ایران را محکوم و با قربانیان مظلوم و بیگناه ابراز همدردی نمودند. در میان دولت ها و سازمان ها و شخصیت های بین المللی نیز برخی واکنش های قابل قبول ارائه شد. در نقطه مقابل نیز متأسفانه بعضی دولت ها، نهادها یا افراد مواضع منفی یا خنثی و بی خاصیت داشتند. در میان نخبگان علمی به ویژه حقوق دانان و متخصصان حوزه روابط بین الملل، علوم سیاسی و اقتصاد مطالب متنوعی در خصوص این تجاوز و پیامدهای آن و راهکارهای مواجهه با آن مطرح گردید.

نظر به اهمیت اطلاع از مواضع مزبور و اینکه اغلب در رسانه های داخلی یا مراکز فکری ایران، نوشته های اساتید علوم سیاسی و روابط بین الملل یا بعضی اقتصاددانان جهانی بازتاب داشته و مطالب فنی حقوقی از توجهات عمومی کنار مانده است، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دید که تحلیل ها و موضع گیری های فنی حقوقی را مورد توجه قرار دهد. بر همین اساس، تلاش شد تا ضمن شناسایی نسبتاً گسترده ای از آثار منتشره در سطح جهانی در خصوص تجاوز به ایران از منظر حقوقی و حتی الهیاتی و اخلاقی، موارد در خور توجه به فارسی برگردان و با توضیحات لازم بنحو شایسته در اختیار مخاطبان فارسی زبان و جامعه علمی و متولیان امور کشور قرار گیرد.

گزارش حاضر یکی دیگر از مجموعه آثاری است که کمیسیون از اسفند ماه ۱۴۰۴ تا کنون آماده کرده است. مقاله منعکس شده در این گزارش به تازگی منتشر شده و نویسنده تلاش کرده تا ضمن تمرکز بر تشریح مفاد ماده ۵۱ منشور ملل متحد در مورد دفاع مشروع، شرایط و ضوابط آنرا به صورت فشرده تبیین و با تطبیق بر جنگ علیه ایران این مهم را مورد تاکید قرار دهد که چون شورای امنیت سازمان ملل که در ماده ۵۱ وظیفه مهمی بر عهده دارد نقش خود را ایفا نکرده است در نتیجه رعایت چارچوب های این ماده نیز کنار رفته و «خودپاری» و به داد خود رسیدن جای آنرا گرفته است خصوصاً که یکطرف ماجرا دولتی قرار دارد که هم در این جنگ متجاوز است و هم دارای حق و تو و عامل اصلی بی خاصیت شدن شورای امنیت ملل متحد. نویسنده این را نگفته که طرف دیگر این مخاصمه نیز رژیم اشغالگری است که سالهاست نسل کشی می کند و به هیچ قاعده بین المللی یا انسانی و اخلاقی پایبندی ندارد. نویسنده در تحلیل خود بعضاً به داده هایی استناد کرده که از حیث اعتبار، مخدوش بوده اند اما در هر حال، سخن اصلی او ربطی به این موارد پیدا نمی کند و در واقع به پیامدهای درد اصلی مربوط می شود.

سخن پایانی آنکه، در این متن بعضا توضیحات کوتاهی در زیر نویس صفحات درج شد تا فهم نوشتار برای مخاطب راحت تر فراهم شود، هم چنین معادل انگلیسی برخی کلمات در زیر نویس قید گردید تا محققان بهتر دریابند که عبارت فارسی بکار رفته معادل چه واژه انگلیسی در متن اصلی بوده است . در متن نوشتار بعضا کلماتی داخل براکت [] نیز افزوده شد تا جملات ذیربط روان تر گردند. ارجاعات اصل مقاله نیز عینا حفظ گردیده است .

نقد و بررسی جزئیات دیدگاههای مطروحه در این قبیل نوشتارهای حقوقی خارجی مجال مستقل دیگری می طلبد که احتمالا اهل فن بدان اهتمام خواهند ورزید.

امید آنکه همه کمک دهیم تا از حقوق ملی و انسانی خویش با تمام وجود دفاع کرده و هوشمندانه و عالمانه و شجاعانه زمینه پایان دهی به بی کیفرمانی متجاوزان و جنایتکاران و پاسخگو کردن آنها و اجرای عدالت را فراهم سازیم و بدین ترتیب صلح و ثبات و آرامش همه مردم ایران، منطقه غرب آسیا و عموم ملت های جهان را تامین و تقویت نمائیم

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

مرداد ۱۴۰۵

♦ نویسنده: دکتر داویت خاچاتریان متخصص حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه آمریکایی ارمنستان و دانشگاه روسی-ارمنی

♦ ترجمه انگلیسی به فارسی و توضیحات افزوده: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مردادماه ۱۴۰۵

♦ ماخذ : سامانه حقوقی آپینیو جوریس (opiniojuris.org)، ۱۷ اگوست ۲۰۲۶ (عنوان بر مبنای معادل فارسی کلمات انگلیسی درج شده نه تلفظ درست آن که آپینیو یوریس است)

♦ شناسه متن : ۰۵/۲/۲۱۴

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

بهترین گزینه موجود برای دفاع مشروع: ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] و جنگ سال ۲۰۲۶ با ایران

نوشته دکتر داویت خاچاتریان^۱ متخصص حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه آمریکایی ارمنستان و دانشگاه روسی -

ارمنی

در بازگویی دوباره حقوق مربوط به دفاع از خود، چیزی شبیه یک رسم همیشگی وجود دارد. ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] از سال ۱۹۴۵ تقریباً در همه درگیری‌های مسلحانه مهم بررسی، مورد مناقشه، بسط داده و به آن استناد شده است. تعداد کمی از موازین حقوق بین‌الملل به طور همزمان در اصل و در اجرا مورد مناقشه قرار گرفته‌اند. با این حال، جنگ بین ایران از یک طرف و ایالات متحده و اسرائیل از طرف دیگر، کاری با این دکتترین انجام داده است که بحث‌های آشنا در مورد دامنه آن را در بر نمی‌گیرد.

پیش فرض [حاکم در] منشور [ملل متحد]، ممنوعیت [توسل به زور] است. ماده ۲(۴) [منشور ملل متحد] یک قاعده حقوق ناظر به منع جنگ و استفاده غیرقانونی از زور^۲ است. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت سپرده شده است تا از طرف جامعه بین‌المللی اقدام کند. در برابر این اصل کلی، دفاع از خود تنها استثنای طبیعی است و منشور آن را به صورت محدود می‌پذیرد. این حق با [لزوم رعایت اصول] "ضرورت"، "تناسب" و "فوریت"، [یا به عبارتی دیگر]، شرایط [برگرفته از قضیه] کارولین^۳ که در چارچوب ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] جذب شده، محدود گردیده است و بالاتر از همه، "موقتی" است. این حق فقط تا زمانی که شورای امنیت ملل متحد اقدامات لازم را برای بازگرداندن صلح انجام دهد، اجرا می‌شود، که در آن نقطه، حق فردی به نهاد جمعی واگذار می‌شود. دفاع مشروع در این برداشت چنان مهار و منضبط شده است که تقریباً رنگ و بوی جوانمردانه دارد: اقدامی بازدارنده و موقت که با اتکا به اعتماد انجام می‌شود تا متولی منافع جهانی از راه برسد و رسیدگی به موضوع را بر عهده بگیرد.

^۱. Davit Khachatryan

^۲. Jus contra bellum

^۳. https://avalon.law.yale.edu/19th_century/br-1842d.asp

این مفهومی است که آیین [یادشده آن را] حفظ می‌کند. اما جنگ ۲۰۲۶ [آمریکا و اسرائیل علیه ایران] نشان می‌دهد که هیچ‌یک از دو طرف جنگ، درگیر جنگی منضبط، موقتی و ملاحظه‌گر دیگری نیستند. هر دو به چیزی قدیمی‌تر روی آورده‌اند؛ و استدلال این نوشته آن است که همان مفهوم قدیمی‌تر، آرام‌آرام به معیار واقعی عمل تبدیل شده، در حالی که روایت منشور ملل متحد از آن، تنها در حد چند واژه [روی کاغذ] باقی مانده است.

پاسخ قانونی

جنگ در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ با نزدیک به نهصد حمله در دوازده ساعت در سراسر خاک ایران آغاز شد و منجر به سلب حیات رهبر عالی [ایران] و بخش زیادی از فرماندهان ارشد نظامی شد، عملیاتی که مقامات آمریکایی آن را عملیات‌های رزمی بزرگ^۴ توصیف کردند و به عنوان دفاع از خود پیش‌دستانه^۵ در برابر یک برنامه هسته‌ای توجیه کردند. این توجیه از منشور [ملل متحد] می‌خواهد که یک دکترین دفاع از خود پیشگیرانه^۶ را که هرگز در آن گنجانده نشده است، در خود جای دهد. این حملات مصداق توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولتی دیگر بود و «تعریف تجاوز»^۷ چنین اقداماتی را -در شدیدترین حالت خود- جنایتی علیه صلح بین‌المللی می‌شناسد. آستانه شدت تعیین‌شده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه^۸ برای احراز «حمله مسلحانه» (بند ۱۹۵)، به وضوح [در این مورد] پشت سر گذاشته و محقق شده است.

بدین ترتیب، واکنش فوری ایران علیه تأسیسات نظامی اسرائیل و نیروهای ایالات متحده در منطقه، در چارچوب ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] آغاز شد و ایران نیز همین نکته را به شورای امنیت اعلام کرد؛ با این استدلال که اقدام تجاوزکارانه مذکور هیچ‌یک از معیارهای^۹ دفاع مشروع را دارا نبوده و ایران حق اعمال دفاع را برای خود محفوظ می‌دارد. [یادآوری می‌نماید که] واشنگتن نیز در همان روزهای نخست، نامه‌ای با استناد به ماده ۵۱ [منشور در شورای امنیت سازمان ملل] ثبت کرده بود.^{۱۰} دو دولت، دو بار استناد به یک مقرره واحد؛ و در همان آغاز^{۱۱} [نبرد

^۴ <https://www.aljazeera.com/news/liveblog/2026/2/28/live-israel-launches-attacks-on-iran-multiple-explosions-heard-in-tehran>

^۵ Anticipatory self-defense

^۶ Preventive self-defense

<https://www.cambridge.org/highereducation/books/the-use-of-force-and-international-law/1A80B2962DC8E3CD8FFB3CC256394C8B/preventative-self-defence/5D4689FAF677E26DB6296398E9D772EB>

^۷ <https://legal.un.org/avl/ha/da/da.html>

^۸ <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/70/070-19860627-JUD-01-00-EN.pdf>

^۹ <https://press.un.org/en/2026/sc16307.doc.htm>

^{۱۰} <https://www.justsecurity.org/134290/us-article-51-letter-united-nations/>

^{۱۱} <https://www.britannica.com/event/2026-Iran-war>

به عمل آوردند، در حالی که] حق با یکی از آنها بود: هیچ حقی برای دفاع در برابر یک اقدام «دفاع مشروع» وجود ندارد و توسل به زور از سوی متجاوز برای دفع واکنش قربانی، در واقع تداوم همان عمل نادرست اولیه است. اگر جنگ در همان جا متوقف می‌شد، با پرونده‌ای عادی (هرچند بسیار جدی) در چارچوب ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] روبرو بودیم؛ اما جنگ در آن نقطه متوقف نشد.

متولی امر [حفظ صلح برای انجام وظائف خود] اقدامی نمی‌کند

ماهیت موقت دفاع مشروع، به یک وعده وابسته است: اینکه شورا وارد عمل می‌شود، متجاوز و قربانی را شناسایی می‌کند و مسئولیتی را که دولت مدافع موقتاً بر عهده گرفته است، تحویل می‌گیرد.

در ۱۱ مارس، شورای امنیت [سازمان ملل] قطعنامه ۲۸۱۷ (۲۰۲۴)^{۱۲} را با سیزده رأی موافق و بدون رأی مخالف (و با رأی ممتنع چین و فدراسیون روسیه) تصویب کرد و از ایران خواست تا حملات خود علیه بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اردن را متوقف کند. در این قطعنامه هیچ اشاره‌ای به وقایع ۲۸ فوریه [تجاوز به ایران] نشد. نماینده ایران این متن را مصداق بارز بی‌عدالتی در حق قربانی اصلی تجاوز دانست و این ایراد وارد است: این عدم توازن، نه ناشی از تشخیص قانونی بودن حملات اولیه، بلکه نتیجه‌ی آشنای سازوکار «حق وتو» بود. نهادی که وظیفه داشت متجاوز و قربانی را معرفی کند، تنها نام یکی را برد و آن هم به اشتباه.

این [وضعیت واقع شده] خود دلیلی ویرانگر علیه دکرترین مورد بحث [در حوزه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی] است. ایالات متحده به عنوان یک عضو دائم، در حالی که خود از نیروی غیرقانونی استفاده می‌کند، حق وتو را نیز به کار می‌گیرد؛ و در این جایگاه با چهار عضو [دائم] دیگر [شورای امنیت] همراه است که هر یک درگیر منافع خاص خود بوده و به همان حق وتو مجهزند. هنگامی که متولی «منافع جمعی» [جامعه بین‌المللی] خود یکی از طرفین مناقشه باشد، آن سازوکار موقتی که در ماده ۵۱ پیش‌بینی شده، دیگر موضوعیتی برای «موقت بودن» ندارد. آنچه برای دولتی در چنین وضعیتی باقی می‌ماند، آن حق قاعده‌مند مندرج در ماده ۵۱ نیست، بلکه «خود-یاری»^{۱۳} است: یعنی دفاع بی‌واسطه و کهن از منافع خویش؛ اقدامی که در این راستا صورت می‌گیرد [بدان جهت است] که هیچ‌کس دیگری حاضر نیست به نمایندگی از کل مجموعه [جامعه بین‌المللی]، چنین دفاعی را انجام دهد. ادامه این

^{۱۲} <https://press.un.org/en/2026/sc16315.doc.htm>

^{۱۳} Self-help

جنگ، در واقع تبلور عملی همین بازگشت به آن شیوه قدیمی است و این امر در چهار قسمت مشخص، نمود می‌یابد

[الف:] اهداف نادرست

حق دفاع مشروع علیه عامل حمله مسلحانه اعمال می‌شود. در پرونده «سکوه‌های نفتی»^{۱۴} دیوان بین‌المللی دادگستری [مقرر کرد دولتی که به ماده ۵۱ استناد می‌کند باید حملات مشخصی را شناسایی کرده و ارتباط هدف مورد حمله [خود] با آن حملات را اثبات نماید (بندهای ۵۱، ۶۱ و ۷۲). موشک‌های ایرانی که پایگاه «العدید»^{۱۵} در قطر، مقر ناوگان پنجم در بحرین^{۱۶} و پایگاه «الظفره»^{۱۷} در امارات را هدف قرار دادند، به اهداف نظامی ایالات متحده اصابت کردند و مشروعیت آن‌ها به رعایت تدابیر احتیاطی لازم در قبال جمعیت کشور میزبان بستگی دارد. وضعیت حملات پهبادی ایران^{۱۸} به مجتمع گازی «حبشان» در ابوظبی، خط لوله عربستان سعودی، تأسیساتی در کویت و هتلی در دبی متفاوت است. هیچ نظریه‌ای در باب دفاع مشروع، قلمرو دولت‌هایی^{۱۹} را که به ایران حمله نکرده‌اند، در بر نمی‌گیرد.^{۲۰} از منظر دفاعی، این حملات غیرقابل توجیه هستند.

[ب:] تنگه مشمول عوارض

^{۱۴} <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/90/090-20031106-JUD-01-00-EN.pdf>

^{۱۵} <https://www.youtube.com/watch?v=D0Jm3ywWL58>

^{۱۶} <https://www.military.com/feature/2026/02/28/attack-us-navy-fifth-fleet-headquarters-bahrain.html>

^{۱۷} <https://www.youtube.com/shorts/G-infAcrzwE>

^{۱۸} <https://edition.cnn.com/2026/02/28/world/video/drone-strikes-near-fairmont-hotel-dubai-vrtc>

^{۱۹} <https://www.aljazeera.com/news/2026/4/8/uae-kuwait-bahrain-report-attacks-despite-iran-us-ceasefire>

^{۲۰} نویسنده گزارشات مختلفی که حتی از سوی رسانه‌های غربی منتشر شده مبنی بر اینکه از بیابان‌ها و مراکز نظامی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس چون کویت یا بحرین از سکوه‌های متحرک پرتاب موشک استفاده شده و با آنها خانه‌های مردم در جنوب ایران را هدف قرار داده‌اند یا اظهار نظر برخی نیروهای نظامی آمریکایی مصدوم که در رسانه‌های غربی منتشر شده مبنی بر اینکه برای جلوگیری از هدف قرار گرفتن، از مراکز امن دولت‌های میزبان خارج از پایگاه‌های نظامی آمریکا برخورداریافته‌اند و بعضاً همین مراکز امن نیز توسط ایران شناسایی و مورد هدف قرار گرفته است و هم چنین گزارشات و مستندات که حکایت از اقدام نظامی مستقیم برخی دولت‌های حاشیه خلیج فارس چون امارات و کویت علیه ایران دارد را نادیده گرفته است و در این بخش در واقع روایت بی‌مبنای دولت‌های میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا مبنی بر اینکه ما نقشی در این تجاوز نداریم و به ما ربطی ندارد را تکرار کرده است. مسلم است برای تحلیل حقوقی اگر داده‌ها و مستندات بدرستی در نظر گرفته نشوند، نتایج به کلی می‌توانند متفاوت شوند. (توضیح افزوده بر متن)

ایران در اوایل ماه مارس [۲۰۲۶] تنگه هرمز را بست و مین‌هایی^{۲۱} کار گذاشت که اکنون به نظر می‌رسد قادر به یافتن محل آن‌ها نیست^{۲۲}؛ سازمان بین‌المللی دریانوردی بیست و یک مورد حمله به کشتی‌های تجاری غیرمتخاصم را ثبت کرده است.^{۲۳} دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «کانال کورفو»^{۲۴} تکلیف اطلاع‌رسانی به کشتی‌ها درباره میدان مین شناخته‌شده را مبتنی بر اصول اولیه انسانی دانست (بخش ماهوی، ۲۲)؛ در پرونده نیکاراگوئه^{۲۵} مین‌گذاری بدون اطلاع‌رسانی به عنوان استفاده غیرقانونی از زور و نقض تجارت دریایی تلقی شد (بندهای ۸۰، ۲۱۵ و ۲۹۲(۸))؛ کنوانسیون هشتم لاهه^{۲۶} نیز همین تدابیر احتیاطی را به عنوان یک تعهد قراردادی الزامی می‌داند. هیچ‌یک از این تعهدات به دلیل اینکه دولت مین‌گذار خود مورد حمله قرار گرفته، تعلیق نمی‌شوند. در جریان آتش‌بس ماه آوریل، ایران ضمن دریافت مبالغی^{۲۷} که گفته می‌شود برای هر کشتی به میلیون‌ها دلار می‌رسید، اجازه عبور از مسیری هماهنگ‌شده را صادر کرد؛ اعمال چنین صلاحیتی توسط کنوانسیون حقوق دریاها^{۲۸} برای دولت‌های ساحلی تنگه ممنوع شده است، زیرا آن‌ها مجاز به ایجاد مانع یا تعلیق «عبور ترانزیتی» نیستند (مواد ۳۸ و ۴۴). دریافت هزینه برای عبور، دفاع محسوب نمی‌شود؛ بلکه به معنای بهره‌برداری مالی از یک نقطه گلوگاهی^{۲۹} و اعمال فشار بر دولت‌های ثالث با تعیین قیمت بر مبنای هر کشتی است.

^{۲۱} <https://www.nytimes.com/2026/04/10/us/politics/iran-mines-strait.html>

^{۲۲} این توصیف نیز برابر مستندات موجود ادعایی عاری از حقیقت است که تنها برخی از رسانه‌های آمریکایی مطرح کردند چنانچه نویسنده هم اینکه از نیویورک تایمز چنین ادعایی را طرح نموده است. ایران در آن مقطع که نویسنده اشاره می‌کند رسماً اعلام نمود که هیچ نیازی به مین‌گذاری برای حفاظت از حقوق حاکمیتی خود در آبهای سرزمینی ایران در تنگه هرمز هنوز پیش نیامده است و بعداً خود آمریکایی‌ها نیز تصریح نمودند که مینی در تنگه وجود ندارد و به همین علت نیز برای مدت قابل توجهی کشتی‌های مورد نظر خود را بسیج کردند تا از مسیر جنوبی تنگه هرمز و بر خلاف تعهدی که در تفاهم نامه اسلام آباد داده بودند، کالاها و مواد مورد نیاز آنها را رد نمایند. بعد از اینکه این عملکرد از آنها دیده شد و محاصره دریایی علیه کشتی‌ها از مبدا ایران یا به مقصد ایران نیز با خشونت علیه کشتی‌ها از سوی آمریکا استمرار یافت، رویکرد ایران در تنگه هرمز نیز تغییر کرد چنانچه هم زمان مسیر جدید عبور از تنگه هرمز نیز برابر آنچه در تفاهم نامه اسلام آباد پذیرفته شده بود از طریق مذاکرات و توافق بین ایران و عمان مشخص شد. ضمناً این ادعا که مین‌هایی را کار گذاشته اند که نمی‌دانند کجا بوده نیز مطلبی است که نشان می‌دهد نویسنده از پیشرفت‌های تخصصی مین‌ها در دنیای کنونی خبر ندارد. اگر با کارشناسان این حوزه مشورت می‌کرد در می‌یافت که مین‌ها در دنیای کنونی قابلیت مدیریت هوشمند را دارند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۳} <https://www.imo.org/en/mediacentre/pressbriefings/pages/fragmented-responses-are-no-longer-sufficient-imo-sg-strait-of-hormuz.aspx>

^{۲۴} <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/1/001-19490409-JUD-01-00-EN.pdf>

^{۲۵} <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/70/070-19860627-JUD-01-00-EN.pdf>

^{۲۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/hague-conv-viii-1907>

^{۲۷} <https://www.justsecurity.org/136186/iran-mining-us-blockade/>

^{۲۸} https://www.un.org/depts/los/convention_agreements/texts/unclos/unclos_e.pdf

^{۲۹} A chokepoint

ج: محاصره دریایی

ایالات متحده در ۱۳ آوریل، ساعاتی پس از شکست مذاکرات اسلام‌آباد، خبر از محاصره دریایی^{۳۰} بنادر ایران داد. تحلیل‌ها^{۳۱} این اقدام را با شرایط [مقرر در راهنمای حقوق بین الملل قابل اعمال بر جنگ دریایی، موسوم به «سان‌ریمو»^{۳۲} و همچنین حجم عملیات‌های دریایی جاری در خلیج [فارس] سنجیده‌اند؛ اگرچه آن شرایط حائز اهمیت هستند، اما پاسخگوی پرسش متفاوتی می‌باشند. محاصره اقدامی خصمانه^{۳۳} است؛ اجرای [به ظاهر] قانونی آن با توسل قانونی به آن متفاوت است^{۳۴}؛ تمایزی^{۳۵} که اقدامات اجرایی علیه کشتی‌های کشورهای بی‌طرف، آن را کاملاً آشکار ساخته است. این محاصره به دلیل شکست مذاکرات اعمال شد، در ماه آوریل^{۳۶} به عنوان ابزاری برای اعمال فشار حفظ گردید و اکنون به عنوان امتیازی مطرح است که واشنگتن حاضر است آن را در ازای بازگشایی تنگه معامله کند. "ضرورت" در دفاع مشروع، با معیار متوقف ساختن "حمله" [نظامی] سنجیده می‌شود؛ اما اهرم فشار در یک معامله، مقوله‌ای متفاوت است که با توسل به زور دنبال می‌شود؛ همان کاری که ماده ۲ (بند ۴) آن را ممنوع کرده است.

د: نقض آتش‌بس به عنوان حمله تلقی شد

آتش‌بس^{۳۷} در ۸ آوریل به اجرا درآمد و در ۲۱ آوریل به طور نامحدود تمدید شد؛ شرایط توقف شصت روزه^{۳۸} [درگیری نظامی] در ۱۲ ژوئن مورد توافق قرار گرفت؛ دو رئیس جمهور در ۱۷ ژوئن تفاهم‌نامه‌ای امضا کردند.^{۳۹} در ۷ ژوئیه، نیروهای ایرانی سه نفتکش را در نزدیکی [شبه جزیره] مُسندم [عمان] مورد حمله قرار دادند و ایالات متحده همان شب ایران را بمباران کرد و پایان آتش‌بس را اعلام کرد.^{۴۰} رئیس جمهور [آمریکا] بعداً این سند را

^{۳۰} <https://www.cnbc.com/2026/04/12/trump-iran-war-strait-of-hormuz.html>

^{۳۱} <https://www.justsecurity.org/137458/five-blockades-one-legal-problem/>

^{۳۲} <https://iihl.org/wp-content/uploads/2022/07/SAN-REMO-MANUAL-on-INTERNATIONAL-LAW-APPLICABLE-TO-ARMED-CONFLICTS-AT-SEA-2.pdf>

^{۳۳} Belligerent act

^{۳۴} Conducting it lawfully is not the same as lawfully resorting to it

^{۳۵} <https://www.justsecurity.org/142005/blockade-article-2-un-charter/>

^{۳۶} <https://www.aljazeera.com/news/liveblog/2026/4/21/iran-war-live-tehran-shuns-talks-trump-says-us-blockade-to-remain>

^{۳۷} <https://apnews.com/article/iran-us-israel-trump-lebanon-april-7-2026-421ee64fdc9a5c26460df8119c7d1b3f>

^{۳۸} <https://www.ndtv.com/world-news/mediator-pakistan-says-iran-us-peace-deal-text-agreed-11629376>

^{۳۹} <https://edition.cnn.com/2026/06/17/middleeast/us-iran-war-mou-text-intl>

^{۴۰} <https://www.aljazeera.com/news/2026/7/8/why-have-us-iran-strikes-resumed-and-what-does-it-mean-for-peace-talks>

آزمایشی خواند^{۴۱} که ایران در رعایت آن ناکام بوده است. آتش‌بس به حمله مسلحانه - از منظر ماده ۵۱ - پایان می‌دهد؛ بنابراین، شرط «فوریت» دیگر نمی‌تواند با استناد به وقایع ماه فوریه محقق شود و توسل به زور در ماه‌های بعد، مستلزم وقوع یک حمله مسلحانه جدید است. نقض آتش‌بس یا تفاهم‌نامه، به منزله نقض یک تعهد است که موجب تحقق «مسئولیت دولت» و شمول قواعد حقوق معاهدات می‌شود؛ در این حالت، واکنش‌های مجاز تنها به اقدامات متقابل غیرمتمکی بر زور محدود می‌گردند (مواد راجع به مسئولیت دولت، ماده ۵۰، بند ۱، جزء الف).^{۴۲} توسل به زور در پاسخ به نقض کامل [تعهدات مورد توافق] به جای [پاسخ به] حمله مداوم، تلافی‌جویی است و انتقام‌جویی مسلحانه ممنوع است (قضیه سلاح‌های هسته‌ای در دیوان بین‌المللی دادگستری، بند ۴۶).^{۴۳} این حرکت متقارن است: حملات ایران به اسرائیل در پاسخ به عملیات اسرائیل در لبنان، که در کنار مذاکره موازی^{۴۴} با بیروت انجام می‌شود، با همان اعتراض مواجه می‌شود. هر طرف نقض [تعهد] طرف دیگر را به عنوان [ایجاد] اختیار [برای خود] تلقی می‌کند، به این معنی که هر کدام ادعای [اقدام] دفاعی را با پیگیری صرف حق خود برای پاسخگویی به آسیب‌ها به هر شکلی که صلاح می‌داند، جایگزین کرده‌اند.

دو مفهوم، یک نام

توضیح افزوده: در این مورد نیز نویسنده همان گزارشات نادرست آمریکایی را مبنای تحلیل خود قرار داده است در حالی که دولت آمریکا بلافاصله پس از اجرای تفاهم‌نامه اسلام آباد که به امضای روسای جمهور دو کشور ایران و آمریکا رسید، بر خلاف مفاد تفاهم‌نامه راه جنوبی در تنگه هرمز را بدون نظارت ایران فعال کرد تا بدین طریق اقدامات نظامی خود را با دور زدن تعهداتش ادامه دهد. بارها ایران این روند خصمانه را مورد اعتراض قرار داد و نماینده ایران در سازمان ملل نیز در نامه‌ای رسمی به شورای امنیت اعلام کرد که آمریکا ۴۲ مورد بر خلاف تعهداتش اقدام کرده و هم‌چنان به فعالیت‌های خصمانه خود ادامه می‌دهد. اما وقتی ایران دید هیچ مرجعی برای بازداشتن آمریکا از این روند خلاف وجود ندارد، خود وارد عمل شد تا از حقوق و امنیت ملی خویش با قاطعیت دفاع و صیانت کند. متن ترجمه فارسی نامه نماینده ایران به شورای امنیت سازمان ملل در لینک زیر قابل دسترس است:

<https://inn.ir/news/article/۱۶۰۰۷۲/%D۸%AC%D۸%B۲%D۸%A۶%DB%۸C%D۸%A۷%D۸%AA-%D۹%۸۶%D۸%A۷%D۹%۸۵%D۹%۸۷-%D۸%A۷%DB%۸C%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%A۷%D۹%۸۶%DB%۸C-%D۸%A۸%D۹%۸۷-%D۸%B۴%D۹%۸۸%D۸%B۱%D۸%A۷%DB%۸C-%D۸%A۷%D۹%۸۵%D۹%۸۶%DB%۸C%D۸%AA-%D۸%AF%D۸%B۱-%D۹%BE%DB%۸C-%D۹%۸۶%D۹%۸۲%D۸%B۶-%D۸%AA%D۹%۸۱%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۹%۸۵-%D۸%AA%D۹%۸۸%D۸%B۳%D۸%B۷-%D۸%A۲%D۹%۸۵%D۸%B۱%DB%۸C%DA%A۹%D۸%A۷>

^{۴۱} <https://www.aljazeera.com/news/2026/7/8/why-have-us-iran-strikes-resumed-and-what-does-it-mean-for-peace-talks>

^{۴۲} https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf

^{۴۳} <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/95/095-19960708-ADV-01-00-EN.pdf>

^{۴۴} <https://www.justsecurity.org/149936/israel-lebanon-framework-land-peace/>

با هم بخوانید، چهار قسمت [مورد اشاره] گواه آن است که این ماده [گزاره های مندرج در ماه ۵۱ منشور ملل متحد] توصیف جنگ [کنونی مورد بحث] را متوقف کرده است. هیچ چیز در رفتار هیچ یک از طرفین با [رعایت اصول] "ضرورت"، "تناسب" و "فوریت" تنظیم نشده است. هیچ چیز "موقت" نیست، زیرا هیچ متولی [حفظ صلح و امنیت بین المللی مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد] وجود ندارد که [اقدامات طرف بهره مند از حق مشروع دفاع در محاصمه] نسبت به آن موقت باشد. هیچ چیز مربوط به دیگری نیست، زیرا ارگان جمعی که دفاع از خود را وابسته به دیگری کرده است، خود یک مبارز^{۴۵} [و طرف محاصمه] است.

می توان آن را بهترین نوع موجود دفاع از خود نامید: رویکردی ذهنی، بی قید و شرط، و مبتنی بر اولویت حاکمیت؛ دفاع از خویش و منافع خود که به این دلیل صورت می گیرد که گزینه جایگزین جهانی ناکام مانده یا به رویکردی خصمانه تغییر جهت داده است. به تعبیری، این صادقانه ترین رویکرد است. در مواجهه با یک حمله مسلحانه، مسدود شدن یک تنگه، بن بست در شورای امنیت، و رویارویی با رقیبی که هم زمان متولی خود این نظام (بین المللی) نیز هست، یک دولت با هر آنچه در اختیار دارد، از آنچه می تواند دفاع می کند. این انگیزه قابل درک است و در مواجهه با تهدیدی علیه موجودیت و منافع حیاتی ملی، شاید حتی معقول هم باشد؛ اما این همان حقی نیست که منشور [ملل متحد] اعطا کرده است. ماده ۵۱ دقیقاً بدین منظور وجود دارد که برای این انگیزه، شروطی تعیین کند و آن را در چارچوب یک نظم جمعی قرار دهد.

[مطالب گفته شده] دفاعی از مفهوم «خودیاری» نیست. ادعای مطرح شده جنبه ی توصیفی (تشخیصی) دارد، نه هنجاری. بهترین شکل موجود «دفاع از خود»، قانونی نیست و تبیین منطق حاکم بر آن، به معنای تأییدش نمی باشد. نکته اینجاست که طرفین درگیر، در واقع بر اساس این منطق عمل می کنند، نه بر مبنای حق منضبط مندرج در ماده ۵۱ [منشور ملل متحد]. آن ساختاری که قرار بود طرفین محاصمات را در چارچوب این حق منضبط نگاه دارد، از درون (از مرکز) فروپاشیده است.

توافق

ایران و عمان در حال مذاکره^{۴۶} در مورد رژیمی برای تنگه [هرمز] هستند که تحت آن کشتی ها از طریق مسیر ایران وارد خلیج [فارس] شده و از طریق مسیر عمانی خارج شوند، در ازای دریافت هزینه های مربوط به تامین امنیت و

^{۴۵} Combatant

^{۴۶} <https://www.usnews.com/news/world/articles/2026-08-04/iran-and-oman-make-progress-on-a-deal-to-reopen-the-strait-of-hormuz-officials-say>

حفاظت از محیط زیست] توسط نهاد مدیریت تنگه هرمز]، مشروط به لغو محاصره توسط ایالات متحده؛ پیش از این در جنگ، دولت [ایران، کسب] سهمی از درآمد حاصل را پیشنهاد داده بود.^{۴۷}

ماده ۵۲ کنوانسیون وین^{۴۸}، معاهده‌ای را که با تهدید یا استفاده از زور و در نقض منشور حاصل شده باشد، باطل می‌کند و این اسناد هر چه که نامیده شوند، تحت اجبار مسلحانه مداوم توسط هر دو طرف در حال مذاکره هستند و محتوای آنها نشان می‌دهد که زور چه چیزی را ایجاد کرده است: تنگه‌ای که ایران می‌تواند ببندد و محاصره‌ای که ایالات متحده می‌تواند حفظ کند. عبور ترانزیتی متعلق به همه کشورها است؛ دو کشور ساحلی نمی‌توانند آن را بین خود تقسیم و قیمت‌گذاری کنند.^{۴۹} کشورهای [دخیل در] کشتیرانی که متحمل بسته شدن تنگه [هرمز] شده‌اند و کشورهای خلیج [فارس]^{۵۰} که زیرساخت‌های آنها مورد حمله قرار گرفته است، در میز مذاکره نیستند. وظیفه عدم شناسایی در ماده ۴۱(۲) از «مواد مربوط به مسئولیت دولت» می‌تواند به موارد [تعیین] حقوق نیز تعمیم داده شود، زیرا یک رژیم پرداخت هزینه که با پشتوانه مین‌گذاری و اجبار همراه است، پس از پذیرش در عمل، بسیار دشوار خواهد بود که کنار گذاشته شود.

چگونه یک قاعده از میان می‌رود

حقوق بین‌الملل در برابر نقض شدن تاب می‌آورد؛ اما آنچه تاب نمی‌آورد، بازتعریف شدن توسط دولت‌هایی است که به آن استناد می‌کنند؛ به گونه‌ای که «دفاع از خود» به هر اقدامی تعبیر شود که یک دولت، بر اساس نارضایتی یا شکایت خود، آن را مجاز می‌پندارد. فارغ از آنچه در سخنرانی‌ها پیرامون تمدن، خطر هسته‌ای و سرنوشت یک منطقه گفته می‌شود، در عمل، آنچه دیده می‌شود صرفاً پیگیری بی‌پرده و خشن منافع ملی و تجاری است.

بیش از نیم قرن پیش، این پرسش مطرح شد که چه کسی «ماده ۲ بند ۴» [منشور ملل متحد] را از پای درآورد.^{۵۱} این جنگ، پایانی خاموش‌تر و مبهم‌تر را پیش می‌کشد؛ پایانی که در آن، این ممنوعیت نه در جریان تقابل

^{۴۷} <https://www.justsecurity.org/136186/iran-mining-us-blockade/>

^{۴۸} https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf

^{۴۹} . معلوم نیست نویسنده چرا چنین توصیفی ارائه کرده است چرا که طبیعتاً دول ساحلی تنگه هرمز که مجرای عبور در آبهای سرزمینی آنها قرار دارد حق دارند ضوابطی را با رعایت موازین بین‌المللی و حقوق حاکمیتی خویش برای مدیریت تنگه مشخص کنند. وقتی این دولت‌ها هزینه‌های مختلف جهت آزادی کشتی رانی معمول داشتند، برابر حقوق بین‌الملل طبیعتاً از کشتی‌ها خواهند خواست که داوطلبانه در این هزینه‌ها مشارکت و از خدمات لازم برخوردار شوند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۰} <https://press.un.org/en/2026/sc16315.doc.htm>

^{۵۱} <https://www.jstor.org/stable/2198919>

دیدگاه‌ها، بلکه به شیوه‌ای معاملاتی و در روالِ عادیِ امور، به تدریج تحلیل رفته و از میان می‌رود. هیچ مراسمی برگزار نخواهد شد تا در آن مرگِ «ماده ۲ بند ۴» [منشور ملل متحد] رسماً اعلام شود. اگر در این میان مسئولیتی متوجه کسی باشد، نخست بر دوشِ دولت‌هایی است که آتش جنگ را برافروختند، و سنگین‌ترین بارِ آن بر دوشِ دولتی است که کرسیِ دائمِ شورای امنیت سازمان ملل را [در اختیار دارد و سهم بیشتری از قدرتِ انباشته را در دست دارد].

ترتیباتِ کنونی^{۵۲} در تنگه هرمز، صرفاً اقدامی معمول و جاری است. اگر مفادِ این ترتیبات به مثابه موضعی حقوقی تثبیت شود، آنگاه قوی‌ترین تضمین برای آزادیِ کشتیرانی، همانا آمادگی برای پرداختِ هزینه به طرفی خواهد بود که آب‌ها را مین‌گذاری کرده است. بدین سان یک قاعده از میان می‌رود؛ بی‌سروصدا و بر اساسِ منطقِ تجاری. در این حالت، هر دولتی تنها به دفاع از خود برمی‌خیزد، چرا که به این نتیجه رسیده است - و البته نه بی‌دلیل - که هیچ‌کس دیگری به یاری‌اش نخواهد آمد.



^{۵۲} <https://www.bostonglobe.com/2026/08/04/business/iran-oman-strait-of-hormuz-reopen/>